

## کارکرد اجتماعی و سیاسی گرمابه در دوره‌ی صفوی

دکتر عمادالدین فیاضی<sup>۱</sup>

محمد توکلی‌زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

با تشکیل دولت صفوی و ایجاد حکومت مرکزی مقتدر، سلاطین این سلسله، به خصوص شاه‌عباس اول، به عمران و آبادی کشور توجه ویژه‌ای کردند. این دوره‌ی درخشان‌ترین دوره تاریخ معماری ایران است. همپای این شکوه و عظمت، ساخت گرمابه در این دوره نیز به اوج رسید. اهمیت و نقش گرمابه در زندگی مردم به اندازه‌ای زیاد بود که می‌توان نقش حمام را معادل نقش خانه برشمرد. زیرا گرمابه در بسیاری از وجوه زندگی اجتماعی مردم و حکام تأثیر داشته‌است. از این رهگذر، گرمابه‌ها دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی ناپیدایی در این دوره بودند. بنابراین برای روشن ساختن این ابعاد، این مقاله به توصیف و بررسی کارکرد اجتماعی و سیاسی گرمابه‌ها پرداخته‌است. در نتیجه، همه‌ی سفرنامه‌های این دوره مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و به روش توصیفی-تحلیلی کارکردهای سیاسی و اجتماعی گرمابه‌ها استخراج گردیده‌است.

**واژگان کلیدی:** دوره‌ی صفویه، گرمابه‌ها، موقعیت، مشاغل، آئین، کارکردها

۱. گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری، ایران. [dr.emadfayazi@gmail.com](mailto:dr.emadfayazi@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناس ارشد تاریخ

## مقدمه

گرمابه در زندگی مردم ایران یکی از ضروریات مهم زندگی محسوب می‌شده است و نقش حمام و گرمابه در گذشته بسیار پررنگ‌تر از امروز بوده است، زیرا گرمابه علاوه بر این که مکانی جهت شستشو و نظافت بوده، محلی برای اجتماع و گفتگو و دیگر تعاملات اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شده است؛ به عبارت دیگر؛ حمام نزد ایرانیان مکانی برای تحقق بسیاری از زمینه‌های ویژه‌ی اجتماعی و سیاسی بود.

نظر به اهمیت نظافت در اسلام، تأکید بر حرمت و قداست آب و رعایت مبانی و احکام فقه شیعه، استفاده از گرمابه را در زندگی مردم بسیار ضروری کرده بود. از سوی دیگر، فقط جنبه‌های پاکیزگی در این حمام‌ها مطرح نبود. زیرا در تمامی ادوار و تمامی اقوام، حمام و اماکنی که برای شستشو به کار گرفته می‌شد، محل انجام دادن آیین‌ها، سنت‌ها و رسم‌های زیادی نیز بوده است. از این رو، حمام‌ها از جنبه‌ی اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت است. بدین منظور برای بررسی ریشه‌ای تر گرمابه‌ها و ابعادی که در ورای آن وجود دارد، این مقاله به بررسی کارکرد اجتماعی و سیاسی گرمابه‌ها در دوره‌ی صفوی پرداخته است.

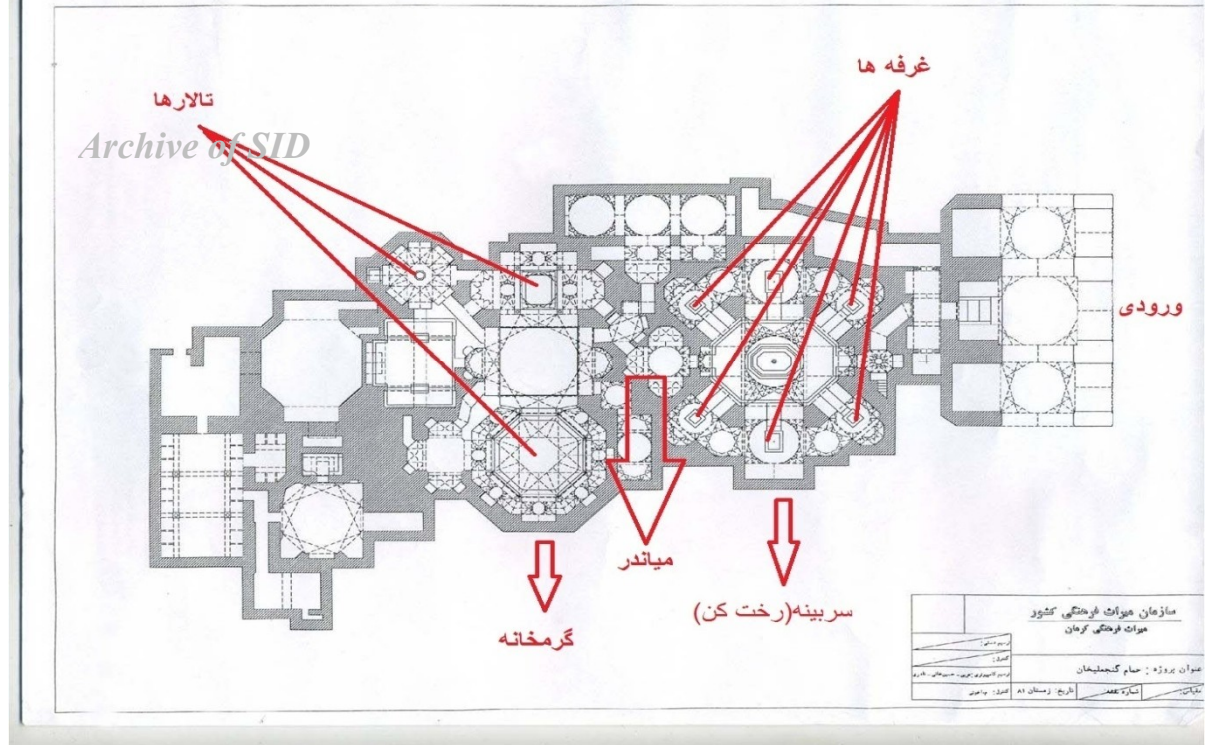
نویسنده در این تحقیق با توجه به مطالعاتی که در منابع قرون مختلف صورت داده است، به این نتیجه رسیده که در تاریخ اجتماعی ایران بعد از اسلام، رسم گرمابه رفتن و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن تا حدود زیادی در همه‌ی ادوار با یکدیگر مشابهت داشته است. لذا با توجه به کثرت منابع در همه‌ی ادوار تاریخ ایران و عدم امکان مطالعه‌ی همه‌ی آن‌ها، منابع دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته است تا ابعاد اجتماعی ناپیدای استفاده از گرمابه‌ها هویدا گردد و کارکردهای آن روشن شود. در نتیجه، این تحقیق به این سؤال پاسخ خواهد داد: کارکردهای اجتماعی و سیاسی گرمابه‌ها در دوره‌ی صفویه چه بوده است؟

## فضای کالبدی گرمابه‌ها

فضای اصلی حمام‌ها شامل بینه، میاندر و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله‌ی راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می‌شد، تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود (رمضانی، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

سربینه از فضاهای مختلفی تشکیل می‌شده است؛ از جمله فضای گرداگرد سربینه که سکوهایی در آن تعبیه می‌شد و از کف سربینه بالاتر بود و محل استراحت و کندن رخت مراجعین محسوب می‌شده است. فضای دیگر در حمام‌ها گرمخانه بود که محل شستشو و تطهیر بدن محسوب می‌شد. گرمخانه اغلب فضایی ساده‌تر از بینه داشت و دارای گوشه‌هایی برای نشستن و شستشو بود. خزینه‌ی آب گرم و حوض آب سرد و فضاهایی خصوصی تر برای استحمام در مجاورت گرمخانه قرار داشت (طبسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۴). از سوی دیگر، در گرمابه‌ها فضایی به نام میاندر وجود داشت که رابط میان گرمخانه و بینه بود و با راهرو پیچ در پیچی، تبادل حرارتی این دو فضا را به حداقل کاهش می‌داد (عاملی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

یکی از شباهت‌های حمام‌ها در دوره‌ی صفوی، نظم فضایی و سرکولاسیون (توالی بینه، میاندر، گرمخانه) حرکت در آن‌ها بوده است (افروغ، ۱۳۸۸: ۱۰۰). از جمله حمام گنجعلی خان در کرمان که یکی از معروف‌ترین این حمام‌ها و دارای همین سیر حرکتی می‌باشد. این حمام به دو قسمت اصلی رخت‌کن و گرمخانه تقسیم می‌شود و راهرو آن از بازار با یکی دو پیچ ملایم به رخت‌کن، می‌رسد و طوری ساخته شده که ابتدای ورود تاریک و تنگنایی است و به همین دلیل به محض ورود به رخت‌کن فضای آن بسیار بهجت افزا و شادی بخش جلوه می‌کند. علاوه بر آن، از به منظور تعادل حرارت و نگاه-داشتن میزان معین گرما بر اصول فنی خاصی بنا شده است که مهارت معمار را تسجیل می‌کند (باستانی پاریزی، ۱۳۵۱: ۷۳۸).



مآخذ: [www.panoram.ir](http://www.panoram.ir)

همانطور که در نقشه‌ی این حمام ملاحظه می‌شود، این گرمابه از سه بخش اصلی سربینه (رخت‌کن)، میاندر و گرمخانه تشکیل شده‌است. سربینه‌ی این حمام فضایی سرپوشیده و هشت گوش است که در وسط آن حوضی هشت ضلعی قرار دارد و دور تا دور آن سکوهایی برای نشستن و تعویض لباس تعبیه شده‌است (جوادی، ۱۳۸۷: ۴۳). رخت‌کن بر طبق تقسیم‌بندی اجتماعی عهد خود به شش غرفه تقسیم شده و هر غرفه مخصوص یک طبقه از مردم آن روزگار بوده و سادات و روحانیون و خوانین و اعیان و بازاری‌ها و رعایا، هر کدام جای خاص داشته‌اند (باستانی پاریزی: همان: ۶۷۶). گرمخانه‌ی این حمام دارای دو تالار بزرگ عمومی و یک تالار کوچک خصوصی است. در هر یک از این بخش دورتادور ایوان‌هایی برای شستشوی افراد در نظر گرفته شده‌است و حوض بزرگی در مرکز تالار قرار دارد (جوادی، ۱۳۸۷: ۴۴). میاندر یا فضای

واسطه‌ی این حمام به صورت دلانی پیچ در پیچ، بین رخت‌کن و گرمخانه واقع شده است. این دالان به منظور حفظ هوای داخل گرمخانه است (همان: ۴۶).

### تزینات و آرایه‌های حمام

دوره‌ی صفوی یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخ معماری ایران است. ایجاد حکومت مرکزی یکپارچه و منظم، امنیت ناشی از حکومت مرکزی مقتدر، اهتمام پادشاهان صفوی، به ویژه شاه عباس اول، به عمران و آبادانی شهرها، از جمله عوامل رشد و شکوفایی معماری دوره‌ی صفوی است. از این رهگذر، ساخت گرمابه در این دوره به اوج خود می‌رسد و بسیاری از افراد خیر و دولتمند به این کار مبادرت می‌ورزند. حمام گنجعلی‌خان کرمان، حمام خسروآقا، حمام شاه اصفهان، حمام شازده و حمام وزیر که بعضاً آثاری از آن‌ها امروزه نیز به جای مانده‌است، از جمله گرمابه‌هایی هستند که در دوره‌ی صفوی بنا شده‌اند.

مجموعه‌ی گنجعلی‌خان در کرمان از زیباترین نمونه‌های معماری و تزینات عصر صفوی، و شامل میدان وسیعی است که به سرای گنجعلی‌خان مشهور است، و بناهایی مانند مسجد، حمام، آب‌انبار و بازار در آن وجود دارد. این حمام یکی از شاهکارهای معماری شرق است. در این حمام همه‌ی فضاها به بلوری تراش خورده می‌مانند و همچون جواهری نفیس جلوه می‌کنند (کرمانی، ۱۳۸۵: ۲۷۲). حمام گنجعلی‌خان داخل بازار گنجعلی‌خان واقع شده که تا چندی پیش مورد استفاده بوده، ولی در حال حاضر به موزه تبدیل شده‌است (جوادی، همان: ۴۲). رخت‌کن یا سرینه‌ی این حمام فضایی سرپوشیده و هشت‌گوشی است که با کاشی هفت‌رنگ با نقش گل‌های پر تزین شده‌است. گرمخانه حمام نیز دارای دو تالار بزرگ عمومی و یک تالار کوچک خصوصی است که با سطوح کاربندی تزین شده‌است که فصل مشترک سطوح با نوارهای باریکی از کاشی فیروزه‌ای تزین شده‌است. در فضای میاندر نیز کاشی‌کاری هفت‌رنگ با نقش زنان نوازنده و ساقی وجود دارد. نوازندگان نشسته و سازهایی مانند دف و چنگ می‌نوازند و بعضی دیگر لیوان و تنگ شراب در دست دارند (همان: ۴۳-۴۶).

از حمام‌های دیگر دوره‌ی صفوی حمام علیقلی آقا است که در منطقه‌ی بید آباد اصفهان قرار دارد. در اطراف سربینه‌ی این حمام سکوهایی طراحی شده که فضاهای پشت آن‌ها با طاق نماهای مدور تزئین یافته و همچنین گنبد میانی سربینه بر هشت ستون بزرگ سنگی استوار است. تزئینات سقف حمام به صورت رسمی بندی است و نورگیرهای سقف به صورت منظم از فضای اطراف به سمت مرکز سقف طراحی شده‌اند که در مواقع مختلف روز با ایجاد سایه روشن بر زیبایی تزئینات سقف می‌افزاید. این بنا هم اینک به صورت موزه در معرض دید عموم گردشگران قرار گرفته است (دانشنامه‌ی ویکیپدیا).

### موقعیت و کاربرد عمومی گرمابه‌ها

اقتضای شرعی و رعایت احکام فقه شیعه در دین اسلام ایجاب می‌کرد که مردم همیشه از حمام استفاده کنند. به طوری که استحمام مکرر مردم، تعجب سیاحانی را که در دوره‌ی صفویه به ایران سفر کرده‌اند، برانگیخته است و آن‌ها با شگفتی به این موضوع نگریسته‌اند. اولثاریوس در این باره می‌گوید: "ایرانی‌ها پس از نزدیکی فوراً خود را پاک و تمیز می‌کنند و می‌گویند به این ترتیب اصولاً عملی انجام نگرفته است، به همین دلیل در تمام جاها، گرمابه بسیار یافت می‌شود که افراد فوراً پس از هم‌خوابگی برای استحمام به آنجا می‌روند." تاورنیه نیز می‌گوید: "طهارت دیگری نیز در شرع دستور داده‌اند و آن استحمام و غسل پس از هم‌خوابگی است. در اجرای این دستور چنان دقت و وسواسی معمول می‌دارند که بعضی‌ها تقریباً هر روز به حمام می‌روند" (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۹۰). پیترو دل‌واله نیز از این موضوع انتقاد کرده و بدون اطلاع از اصول و مبانی شرعی در دین اسلام، در این مورد این‌گونه قضاوت کرده است: "فقط می‌دانم که این حرف‌ها ابلهانه است و هر زن شوهرداری پس از هم‌خوابگی مشروع شبانه، وقتی صبح به حمام رفت و به قول آنان «گناه» را با مشتی آب شست؛ دوباره تمیز و پاکیزه می‌شود" (دل‌واله، ۱۳۸۴: ۸۳).

این امر نشان می‌دهد که حمام رفتن و توجه به نظافت شرعی یک سنت و رفتار اجتماعی متداول در بین مردم بوده و نقش ویژه‌ای در زندگی اجتماعی و مناسبات آنان بر عهده داشته است. به همین دلیل حمام در همه‌ی شهرهای ایران وجود داشت و میزان قابل توجهی از بافت کالبدی شهرها را دربر می‌گرفت. شاردن در بازدید از اصفهان نام گرمابه‌های زیادی را که در هر کوی و برزن وجود داشته، آورده‌است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۵۱۸-۴/۱۴۸۳) که نشان دهنده‌ی اهمیت حمام در بین مردم بوده‌است.

### انواع گرمابه‌ها

گرمابه‌ها در دوره‌ی صفوی به دو دسته تقسیم می‌شدند: گرمابه‌های خصوصی که مختص حکام و امرا و افراد متعین بود و در خانه‌های شخصی افراد وجود داشت، و گرمابه‌های عمومی که قشرهای پایین‌تر جامعه از آن‌ها استفاده می‌کردند و در همه جای شهر موجود بود و عموم مردم از آن‌ها استفاده می‌کردند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۸؛ تاورنیه، همان: ۲۹۹). حمام‌های عمومی در دوره‌ی صفوی در همه‌ی شهرهای ایران وجود داشت و بسیاری از سیاحان در سفارت‌های خود در گذر از شهرهای مختلف به وجود حمام‌های عمومی بسیاری در شهرها اشاره کرده‌اند، پیترو دل‌واله هنگامی که در مازندران بود، از وجود یک حمام عمومی در این شهر خبر داده‌است (دل‌واله، همان: ۱۴۳). اولئاریوس نیز در هنگام گذر از شهرهای ایران از وجود حمام‌های عمومی در شهرها خبر داده‌است. وی از سه گرمابه در شیروان (اولئاریوس، همان: ۸۸)، نه گرمابه در اردبیل (همان: ۴۹۴) و تعداد زیادی گرمابه در قزوین (همان: ۱۵۶) یاد کرده‌است. ژرژ تکتاندرن نیز از وجود حمام‌هایی به سبک ترک‌ها در تبریز خبر می‌دهد (ایتر پرسیکوم، ۱۳۵۱: ۵۴). حمام‌های عمومی در زمره‌ی مهم‌ترین تاسیسات مدنی برای خدمات رسانی همگانی در شهرهای اسلامی به شمار می‌رفت و عمده‌ترین عوامل پیدایش آنها عبارت بودند از: عدم تمکن و توان مالی اکثر مردم برای ساخت حمام‌های اختصاصی در خانه‌ها، درآمد و سود قابل توجه حمام‌های عمومی، ضرورت وجود حمام عمومی در نزدیکی اماکن مقدس، به ویژه زیارتگاه‌ها (مهجور، ۱۳۸۲: ۶۰).

شیوه کار حمام‌های عمومی به این شکل بود که روزها به مردان اختصاص داشت و عصرها مختص به زنان بود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۳)، (شاردن، ۱۳۷۲: ۳/۱۱۳۶)، (اولثاریوس، ۱۳۶۳: ۸۸). یکی دیگر از انواع حمام‌ها حمام سیار بوده که در دو مورد از سفرنامه‌های دوره صفوی به آن اشاره شده است. پیتر و دلاواله از وجود این نوع حمام‌ها در سپاه ایران صحبت به میان می‌آورد و می‌گوید: "چون اردو کشی در ایران تقریباً مداوم است و همه، از سربازان گرفته تا درباریان، بیشتر اوقات خود را در اردوگاه‌ها به سر می‌برند تا در خانه، این است که به هزاران وسایل مختلف سعی کرده‌اند این ایام با راحتی بیشتری به سر آید. حتی حمام‌های متحرک نیز با قشون همراه است که در دشت و صحرا آن‌ها را در زیر چادرها نصب می‌کنند. من خود، بارها دستگاه‌های بزرگی را که از چوب است و به عنوان حمام از آن استفاده می‌کنند دیده‌ام که آنها را بر روی شتران حمل می‌کنند؛ ولی طرز کار این حمام‌ها را نمی‌دانم چگونه است، زیرا هرگز به زیر چادرهایی که آنها را در آنجا نصب می‌کنند نرفته‌ام" (دلاواله، همان: ۳۶۸). کارری نیز که شاهد مراسم تاجگذاری شاه سلطان حسین بود، ذکر کرده است که پسر پادشاه هند هدایایی برای شاه آورده بود که از جمله آن‌ها یک حمام نقره‌ای بود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۲).

**مشاغل گرمابه‌ها**  
 افراد و کارگران متخصصی در گرمابه‌ها مشغول به کار بودند و وظیفه‌ی آن‌ها خدمت رسانی به مشتریان بود. در رستم/التواریخ، زمانی که مؤلف از مشاغل درباری صفوی نام می‌برد، به شغل ویژه و درباری حمام‌چی‌باشی نیز اشاره کرده است که "باشیان سرکار عظمت مدار شاهنشاهی" بودند (رستم الحکماء، ۱۳۸۲: ۹۹). از بررسی متون و در نتیجه‌ی برخورد و مکاتبات افراد در گرمابه‌ها، به نظر می‌رسد که بالاترین منصب در حمام‌ها، گرمابه‌دار یا حمامی، و اداره‌ی گرمابه بر عهده‌ی او بوده است و کارگران در حمام‌ها زیر نظر وی فعالیت می‌کردند و اعزام کارگران به خدمت مشتری به دستور وی انجام



می گرفته (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/۲۴۱؛ غفاری کاشانی، ۱۴۱۴: ۴۳). گرمابه‌دارها معمولاً از مزد بالاتری نسبت به سایرین برخوردار بوده‌اند (مرعشی، ۱۳۶۴: ۵۰ و ۵۱). از مشاغل دیگری که در گرمابه وجود داشت، می‌توان به دلاکی اشاره کرد. شاردن به تفصیل وظایف دلاک در گرمابه‌ها را چنین ذکر می‌کند: "چند دقیقه پس از ورود مشتری به گرمخانه، دلاک برای شستن وی حضور می‌یابد. نخست مقداری آب بر سر و تنش می‌ریزد، سپس با کیسه‌ای زبر و خشن چنان به قوت سر تا پایش را مالش می‌دهد که کسانی که بدین کار عادت ندارند چنین می‌پندارند که پوست بدنشان به زودی از تنشان جدا می‌شود. ایرانیان این عمل را تیمار کردن می‌نامند که در زبان فرانسوی مترادف با قشو کردن است. سپس اگر مشتری بخواهد دلاک صورتش را می‌تراشد و ناخنهای دست و پایش را می‌گیرد. آن گاه اگر مایل باشد خود با نوره یا واجبی موهای زائد اندامش را می‌سرد، و وقتی از این کار فراغت یافت روی کف گرمخانه دراز می‌کشد. در این هنگام دلاک به کیسه کشیدن و مالش دادن سراسر اندام او می‌پردازد و قریب یک ربع ساعت با قوت به این کار مداومت می‌دهد" (شاردن، همان: ۳/۱۱۳۷). تاورنیه نیز درباره‌ی دلاک‌های ایران چنین می‌گوید: "دلاک‌های ایران در تراشیدن سر و صورت از دلاک‌های فرنگی خیلی چابک‌تر و ماهرتر هستند؛ به طوری نرم می‌تراشند که شخص حس تراشیدن نمی‌کند" (تاورنیه، همان: ۶۲۲). از مشاغل دیگری که در گرمابه وجود داشت می‌توان به فوطه‌دار، گلخن‌تاب و سرتراش نیز اشاره کرد (خواندمیر، همان: ۳/۱۸۸).

فوطه‌دار به شخصی می‌گفتند که به مشتریان فوطه می‌داد و جامه‌ی آن‌ها را نگه می‌داشت (لغت نامه‌ی دهخدا، واژه‌ی فوطه‌دار). در *بدایع الوقایع*، به فوطه‌دار اشاره شده که صحه‌ای بر توضیحات دهخداست: "فی الحال از فوطه‌دار جامه طلبید، وی گفت: شما همین زمان [در] آمدید و سر و تن ناشسته بیرون می‌روید؟" (واصفی، ۱۳۴۹: ۲/۲۲۹). گلخن‌تاب به شخصی می‌گفتند که آتش حمام را روشن می‌کرد (فرهنگ لغت معین، واژه‌ی گلخن‌تاب). "گلخن‌تاب در پس [در] حمام آمده فوطه‌دار را آواز داد که

آواز شرفه [آب] آمد غالباً که سقف آبخور گرمخانه افتاده از کناره دیگ آب می چکد و آتش نمی افروزد" (واصفی، همان: ۲/۲۲۹).

### کارکرد پزشکی و درمانی گرمابه‌ها

یکی از کارکردهای گرمابه‌ها در گذشته جنبه‌ی پزشکی و درمانی آن بود و این امر اعتقاد بسیاری از مردم محسوب می‌شد (شاردن، همان: ۳/۱۱۳۴). اولناریوس در گزارش‌های خود از حمام‌های آب گرم اردبیل که در دامنه‌ی کوهستان‌های اطراف آن بنا شده بود، صحبت به میان آورده و از اهالی محل درباره‌ی این حمام‌ها اطلاعاتی گرفته و در گزارش‌های خود راجع به این حمام‌ها چنین آورده است: "در دامنه کوه سبلان چشمه آب معدنی است که نیمه گرم و کاملاً صاف می‌باشد و ذوالفقارخان، خان سابق اردبیل، کنار این چشمه حمامی ساخته است. در فاصله سه میلی راست این چشمه، آب گرم دیگریست که ترکیبات گوگردی دارد و بخارات گوگرد از این چشمه بلند می‌شود و آب آن برای درد استخوان و پا مفید است. چند چشمه آب گرم دیگر نیز در فاصله کمی از این دو چشمه وجود دارند که آب آنها خیلی گرم بوده و بدن را می‌سوزاند و به همین جهت آب را وارد استخرهایی کرده و با آب سرد چشمه‌های دیگر مخلوط می‌نمایند تا قابل استفاده برای بیماران شود" (اولناریوس، همان: ۵۰۲). در صحیفه‌الارشاد به موضوع چشمه‌های آب گرم در بخش راین شهرستان کرمان اشاره شده و ملا محمد مؤمن کرمانی نویسنده‌ی صحیفه‌الارشاد در قرن دوازده به حمامی اشاره می‌کند که در بالای چشمه‌های آب گرم راین بنا شده و اتفاقاً به جنبه‌ی درمانی آن نیز اشاره کرده است: "بعد از ورود، به خدمت ذی سعادت بندگان معظم‌الیه عرض نمودند که در محل ابارق و محامل کشیک راین، دو چشمه‌سار ملاحظه شد که آب آن گرم و بسیار مفید و سودمند می‌باشد. حسب الفرموده بندگان سپهرمکان معظم‌الیه مقرر شد که عالیحضرت میرزا- غیاث‌الدین منصور راینی، بنا و فعله به خصوص عمارت برده و در سرچشمه‌سارهای مزبوره هر یک حمامی و مکان نزولی بنا گذارد... به جهت اکثر امراض، خصوصاً آزار

کوفت و دمل و جراحات بسیار منتفع و سودمند است" (کرمانی، ۱۳۸۴: ۳۳۲ و ۳۳۴). امروزه نیز در ابارق و بخش راین کرمان چشمه‌های آب گرم متعددی وجود دارد که جنبه‌ی گردشگری پیدا کرده‌است. شاردن نیز از وجود چشمه‌ای در تفلیس خبر می‌دهد که گرمابه‌های آب گرم بر روی آن ساخته بودند (شاردن، همان: ۵/۱۸۰۶). وی از این گرمابه‌ها به عنوان حمام‌های آب معدنی یاد می‌کند که مردم در روزهای شنبه دسته دسته به آنجا می‌رفتند (همان: ۵/۱۸۰۸).

اما گاهی اوقات پیش می‌آمد که گرمابه‌ها مکانی برای انتقال بیماری‌های مسری می‌شدند. بیماری سیفلیس یکی از این بیماری‌هاست که شاردن به آن اشاره کرده و از جمله عوامل انتقال آن‌ها را استفاده از گرمابه‌های عمومی ذکر کرده‌است. بنا به گفته‌ی وی، نیمی از مردم ایران به این بیماری مبتلا بودند (همان، ۳/۱۱۲۹). معمولاً آلوده‌ترین قسمت گرمابه‌ها خزینه بود، زیرا شستشو در خزینه صورت می‌گرفت و بنا به گفته‌ی شاردن، کسانی که حتی گرفتار بیماری‌های مقاربتی بودند، آزادانه خود را در خزینه می‌شستند و باعث گرفتار شدن افراد سالم و تندرست به بیماری‌های شرم‌آور می‌شدند (همان، ۳/۱۱۳۸).

### گرمابه مکانی برای تحقق قتل‌های سیاسی

از آنجایی که همه‌ی مردم، اعم از افراد عادی و دولتمند، از گرمابه استفاده می‌کردند؛ لذا این مکان شرایط مناسبی برای تحقق قتل‌های سیاسی داشت و ما در بسیاری از متون تاریخی شاهد قتل‌های افراد دولتمند در گرمابه هستیم، که در ادامه به ذکر قتل‌ها و سوء قصدهایی می‌پردازیم که در گرمابه و در دوره‌ی صفوی اتفاق افتاده‌بود: در زمان فتوحات شاه اسماعیل در ایران، حسین بیگ‌الله از طرف شاه والی یزد می‌شود که وی نیز شعیب‌آقا را به داروغگی از طرف خود تعیین و روانه یزد می‌کند، اما وی در حمام به دست مخالفینش به قتل می‌رسد: "آنگاه شعیب‌آقا در یزد به حکومت نشست رتق و فتق می‌نمود. چون چند وقت گذشته سلطان احمد نقض آن عهد نموده با جمعی در حمام بر سر شعیب‌آقا ریخته او را به قتل آوردند و از روی استقلال تمام به حکومت نشست"

(عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۱۳۳). در زمان شاه سلطان حسین، خسروخان گرجی والی تفلیس و پسرش گرگین خان از جانب شاه سلطان حسین، حاکم کابل و قندهار و هرات شدند، اما تعدی و ظلم آنان نسبت به افغانه به قدری زیاد شد که در گرمابه به دست مردم به قتل رسیدند: "روزی سراغ گرگین خان را در حمام نمودند و به هجوم عام، در حمام، داخل شدند و گرگین خان و اتباعش را به خواری و زاری، به ضرب شمشیر و خنجر، پاره کردند" (رستم الحکماء، همان: ۱۱۷).

"در زمان اسماعیل، دوم پیکر سلطان از جانب وی، حاکم قراباغ و گنجه شد. وی یوسف خلیفه زیاداغلی حاکم قبلی آنجا را که شاه تهماسب منصوب کرده بود، در حمام به قتل رساند. صبحی که او از حمام بیرون آمده رخت می پوشید با چند نفر ملازمان تیغها کشیده بر سر حمام آمده او را بقتل آورد" (اسکندر بیگ، ۱۳۸۲: ۱/۲۱۳)

در اوایل پادشاهی شاه عباس اول، مرشد قلی خان و کیل قدرتمند شاه، به سبب دشمنانی که داشت، در گرمابه مورد سوء قصد شاملویان قرار گرفت: "روزی در حمام یکی از شاملویان به قصد قتل او با تیغ کشیده داخل شده دلاکی را که به مرشد قلی خان شباهت داشت مقتول ساخته بیرون آمد و مرشد قلی خان ازین معنی نهایت توهم نموده، به منزل آمد" (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۹۹).

هیچ کدام از متون تاریخی صراحتاً به دلایل قتلی که در گرمابه اتفاق می افتاد، اشاره ای نکرده اند، اما به نظر می رسد وجوه اشتراک همه ی قتل هایی که در گرمابه اتفاق می افتاد، این بود که افراد عریان و بدون هیچ گونه ساز و برگ و سلاحی در گرمابه حاضر بودند و ضاربان به راحتی می توانستند شخص بی دفاع را به قتل برسانند.

### کارکردهای آئینی در حمام

با نگاه مردم شناسانه به حمام و فرهنگ حمام، به این واقعیت بر می خوریم که حمامها نه فقط از جنبه ی شستشو و نظافت، بلکه در شکل گیری آئینی خود در هر برهه ی زمانی شکل دهنده ی فرهنگی خاص و خزنده در لایه های فرهنگی عامه ی مردم بوده است. با

نگاهی به عقب تر، به بنیاد این فرهنگ عامه، یعنی اسطوره و آیین های کهن مربوط به این فرهنگ ها می رسیم و تداوم اسطوره ها را در این آیین ها در می یابیم که می توان مثال زنده ی آن را در حمام های ایران مشاهده کرد (بلمبکی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

یکی از آیین هایی که در گرمابه ها برپا می شد، حمام عروسی بود که در بین همه مردم وحتى توانگران و پادشاهان مرسوم بود. به این شکل که قبل یا بعد از مراسم، برای عروس و داماد حمامی ترتیب می دادند؛ در رستم التواریخ روایت نوعروسی که به خدمت یکی از حکام می رفت بدین شرح آمده است: "او را به حمام برده و به حلی و حلل آراسته و به فنون مشاطگی، پیراسته، به قانون شرع انور، در حباله آن سرور درمی آوردند و او را به حریم پادشاهی می بردند و عروس وار، او را به آن شاه داماد رند سرمست عیار می سپردند..." (رستم الحکماء، همان: ۳۳۷). اولتاریوس نیز به حمام رفتن داماد در صبح دوم عروسی نیز اشاره کرده است (اولتاریوس، همان: ۲۹۷).

از آیین های دیگر گفتگو و تعاملات اجتماعی مردم در حمام بود. از این رو گرمابه ها اهمیت زیادی، مخصوصاً برای خانم ها، داشته است؛ زیرا اغلب آنان بیشتر وقت را در گرمابه سپری می کردند و حتی یک میان وعده و یا میوه ای هم در حمام میل می کردند. به عبارت دیگر، حمام برای آنان مکانی برای تحقق بسیاری از زمینه های ویژه ی ارتباطی بود. تاورنیه، هنگامی که از زنان ایرانی صحبت می کند، آنان را افرادی معرفی می نماید که تمام دلخوشی شان این است که در روز حمام لباس های قشنگ خود را نشان بدهند و عصرانه و مأکولات مفصل به حمام ببرند (تاورنیه، همان: ۶۲۹). وی در جای دیگر نیز می گوید: "رفتن حمام برای زن ها عیش و لذتی است، تمام هفته را در این دلخوشی می گذرانند که یک روز حمام بروند و عصرانه ببرند و با یکدیگر تفریح نمایند" (همان: ۱۵۱). از صحبت های دلاواله نیز می توان به اهمیت حمام نزد زن ها پی برد. وی می گوید: "به خصوص یکی از آنان که خانم آغا نامیده می شد، به اندازه ای دوست داشتنی و با لطف و ملاحظت بود، که باعث شد تمام روز بعد را نیز در آن محل بگذرانیم؛ زیرا می خواست خانم معانی [همسر دلاواله] را به حمام ببرد و آرایش کند" (دلاواله، همان: ۲۴).

از آیین‌های دیگری که در گرمابه‌ها وجود داشت، سنت به گرمابه رفتن قبل از مبادرت به انجام دادن کار و فریضه‌ی مهمی بود. این امر ناشی از حرمت والای گرمابه نزد افراد بوده است، به شکلی که همه‌ی مردم و حتی امرا و پادشاهان برای گرمابه‌ها حرمت قائل بودند و "حریف حجره و گرمابه و گلستان" داشتند (جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۲۰۷). در این موضوع روایتی در *رستم‌التواریخ* به این شکل نقل شده است: "و امرا و وزرا و باشیان و مقریین درگاه و عمله‌جات پادشاهی، همه به حمام رفته و خلعت پوشیده و در طاق‌نماهای کریاس و دالان چهل‌ستون، با تبختر و طمطراق نشسته بودند و منتظر اذن دخول بودند..." (رستم‌الحکماء، همان: ۱۶۰).

از این روایت چنین برمی‌آید که مقربان درگاه پادشاه، قبل از خلعت پوشیدن (خلعت امتیاز ویژه‌ای بود که از جانب شاه به بزرگان اعطا می‌شد) و اذن دخول به خدمت پادشاه، به گرمابه می‌رفتند و استحمام کردند، که نشان دهنده‌ی جایگاه تشریفاتی گرمابه قبل از مراسم درباری است. ملا زعفران که از پیشوایان دینی دوره‌ی صفویه بود، به هنگام دستور قتل خود به گرمابه رفت و غسل کرد و منتظر اجرای فرمان قتلش شد و گفت: «اگر در این وقت، مرا نکشید، احدی از شما به قندهار و هرات و کابل نخواهد رسید.» «پس آن عالی‌جناب، به حمام رفته و غسل نمود و جامه پاک درپوشید و به عزت بر مسند نشست و بر متکا، تکیه نمود و دائم می‌گفت: انا لله و انا الیه راجعون ...» (همان، ۱۹۰).

روایت دیگری در *جواهرالاحبار*، به این شکل آمده است: "احمدبیک شکرآغلی ترکمان داروغه آنجا بود اراده نمود که او را بگیرد، از این مقدمه قل محمد واقف شد به حمام رفت. چون بیرون آمد بر اسبی سوار شد و از بازار اسب را دوانید و به هر کس رسید زد و گریخت..." (قزوینی، همان: ۲۰۷). در *احیاءالملوک* نیز به این شکل آمده است: "ملک‌الملوک به حمام رفته، تغییر لباس پراندراس ایام کلفت داده، به دیوانخانه تشریف ارزانی داشته، چشم دوستان از آن روشنی یافته، آن روز به صحبت علما و شعرا و اهل الدرک صرف نمود" (سیستانی، ۱۳۸۳: ۲۲۶). در *بدایع‌الوقایع* نیز به این شکل

آمده: "پس فرمود که او را به حمام بردند و سر و تن او را شسته به جامه‌های خاص خود ملبس و معزز گردانید و او را پیش قاضی زاده روم برد و تعریف بسیار کرده هم سبق خود گردانید" (واصفی، ۱۳۴۹: ۱/۴۰).

**ساختن گرمابه برای خیرات** با ظهور دین اسلام و تأکید این دین بر پاکیزگی، استحمام بیش از پیش نزد ایرانیان مسلمان اهمیت یافت و غسل و طهارت به عنوان یک آیین مذهبی، مقدمه‌ی ضروری هر عبادت و فریضه‌ای شناخته شد؛ برای همین، در این برهه تحول شگرفی در ساخت و بنای گرمابه‌های ایرانی ایجاد شد. پادشاهان، وزرا، حکام و بزرگان زیادی به ساختن گرمابه اهتمام ورزیده‌اند، به طوری که به کثرت در متون تاریخی مورخان و نویسندگان از گرمابه به عنوان یکی از بناهایی نام می‌برند که حاکمان و توانگران در طول مدت عمر خود به ساختن آن مبادرت ورزیده‌اند. شاردن در سفرنامه‌ی خود در هشت فرسنگی ساوه از کاروان‌سرای به نام کاروان‌سرای کیخسرو یاد می‌کند که ضمام آن یک گرمابه نیز بود که توسط مادر شاه‌عباس کبیر ساخته شده بود (شاردن، همان: ۲/۵۱۴).

ساخت ابنیه‌ی عام‌المنفعه غالباً با تصدیق و نکوداشت و دعای خیر نویسندگان و قلم به دستان همراه بوده‌است، چنان‌که در تاریخ یزد می‌خوانیم: "و همچنین امیر قطب‌الدین خضرشاه حمامی نیکو در نعیم‌آباد با مسلخ و حیاض و قلتین و بیوتات و جام‌های ملون ساخته و بر مؤمنین و مؤمنات سیبل کرده و از اموال خاصه خود اجرت و خرج حمامی بر خواسته خود مقرر فرموده و بی‌تکلف در آن مقام خیری بموقع است که در آن محلت حمامی نبود و مردمان در زحمت بودند، خداهش خیر دهد آنکه این عمارت کرد" (جعفر بن محمد بن حسن، ۱۳۸۴: ۸۷). وی در جای دیگر می‌گوید: "در محاذی بازار امیر سلطان حمام و مصنعه نیکو ساز داد تمام از خشت پخته و کاشی تراشیده. در کتابه القاب همایون بندگی حضرت اعلی خاقانی معینی ثبت کرده و از آب تفت مملو می‌کند و مردم بسیار از آن فایده می‌یابند" (همان: ۹۱)

ملا محمد مؤمن کرمانی، نویسنده‌ی صحیفه الارشاد نیز منصور راینی را به سبب ساختن حمامی در کتابش دعا می‌کند: "مقرر شد که عالیحضرت میرزا غیاث‌الدین منصور راینی، بنا و فعله به خصوص عمارت برده و در سرچشمه‌سارهای مزبوره هریک حمامی و مکان نزولی بنا گذارد که بر حسب یادگاری و آثار خیر باقی مانده از آن آب خلق‌الله و مترددین مستفیض و بهره‌مند شده، اجر آن مادام‌الدهر روزگار فرخنده آثار بندگان معظم‌الیه عاید شود و الحال نیز آثار علامت آنها باقی، و خلائق همه اوقات در موسم بهار و پائیز رفته مدتی در سرآب مزبور توقف و از آن منتفع می‌شوند" (کرمانی، همان: ۳۳۳ و ۳۳۴).

گنجعلی‌خان، از حاکمان کرمان در زمان شاه عباس نیز، به سبب ساخت ابنیه‌ی عام-المنفعه از جمله گرمابه مورد تحسین نویسنده‌ی رستم‌التواریخ قرار گرفته‌است: "مرحوم گنجعلی‌خان اگر چه رافضی بوده، اما به اهل سنت، بدی نکرده، مگر نیکی‌های بسیار کرده و بناهای خیر بسیار در هرات نهاده، از آن جمله، چهار بازار با چهارسوی بسیار عالی و حمام و آب‌انبار و کاروانسرای و مدرسه و مسجد دلپسندی ساخته که مثل آنها در همه عالم، یافت نمی‌شود" (رستم‌الحکماء، همان: ۲۷۵). حمام گنجعلی‌خان که اوج هنر و معماری دوره‌ی صفوی است اکنون در کرمان به یادگار مانده‌است.

در احیاء‌الملوک نیز آمده‌است: "چون پرتو اهتمام ملک‌الملوک علاء‌الدین علیا به سیستان افتاد، در این نوبت استادان معمار و نقاش و سنگ‌تراش با خود آورده‌بودند و سنگ مرمر بسیار از تبریز به سیستان نقل شده‌بود، حمامی ساختند که در آبگینه‌خانه فلک‌نیلگون چنان عمارتی نبود و دیگر عمارات و بقاع که تفصیل خواهد یافت پرداخته شد" (سیستانی، همان: ۱۲۳ و ۱۲۴).

شاردن در سفرنامه‌ی خود نیز به اهتمام افراد خیر برای ساختن بناهای مختلف اشاره کرده‌است. وی اشاره می‌کند که ایرانیان ساختن کاروانسرا بر سر راه‌ها را مقدم بر همه‌ی خیرات می‌دانند و سپس ساختن گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغ می‌سازند. بنا به گفته‌ی



وی، این بناها از طرف این خیران وقف می‌شد و سازنده‌ها دیگر مالک آن نبودند و درآمد هر موقوفه صرف امور خیریه‌ی پیش‌بینی شده می‌شد (شاردن، همان: ۳/۹۳۹؛ ۴/۱۳۴۱). به عنوان نمونه، مقبره‌ی الله‌وردی خان دارای بنیادی بود که هر روز در آن صد نفر فقیر اطعام می‌شدند، و گرمابه‌های وقفی و عمومی یکی از منابع درآمدی این بنیاد بود (همان: ۴/۱۵۶۳). اولتاریوس نیز از گرمابه‌ای در شهر شماخی یاد می‌کند که درآمدش صرف هزینه‌ی نگهداری بقعه‌ی مرد مقدسی به نام شیخ مرید و بقیه‌ی آن صرف کمک به فقرا می‌شد (اولتاریوس، همان: ۴۷۳).

البته شاردن با تیز بینی خود علت ساخت بناهای مختلف اعم از بازارها، کاروان‌سراها و حمام‌ها را چنین نقل می‌کند: "چون در مشرق زمین مالکیت مخصوصاً درباره درباریان و جاه‌مندان، محترم و معتبر شمرده نمی‌شود و شاه به اندک بهانه همه دارایی آنان را مصادره می‌کند، و گاه خودشان را نیز می‌کشد برای مقابله با این پیشامدها قسمت بیشتر دارایی خود را صرف ساختن بازارچه، حمام، کاروانسرا می‌کنند، و درآمد آنها را وقف نگهداری و آبادانی مساجد و مدارس می‌نمایند" (شاردن، همان: ۴/۱۴۷۶)

**نتیجه‌گیری**  
اهمیت نظافت و طهارت در آیین مقدس اسلام موجب شد که حمام‌ها از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ ایران برخوردار باشند. از سوی دیگر، فقط جنبه‌های پاکیزگی در این حمام‌ها مطرح نبود. چرا که در تمامی ادوار و تمامی اقوام، حمام و اماکنی که به منظور شستشو به کار گرفته می‌شد، محل انجام گرفتن آیین‌ها، سنت‌ها و رسوم زیادی نیز بوده‌است. به همین دلیل، حمام‌ها از جنبه‌ی اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت بود. به عبارت دیگر، حمام نزد ایرانیان مکانی برای تحقق بسیاری از زمینه‌های ویژه‌ی اجتماعی و سیاسی بود. بنابراین گرمابه‌ها در دوره‌ی صفوی، علاوه بر این که از مهم‌ترین گونه‌های تأسیسات شهری محسوب می‌شدند، دارای کارکردهای اجتماعی و سیاسی خاصی نیز بودند که از جمله‌ی آنها می‌توان به کارکرد پزشکی، وجود مشاغل سازمان یافته و کارکردهای آیینی اشاره کرد.

۱. آصف (رستم الحکماء)، محمد هاشم. ۱۳۸۲، *رستم التواریخ*، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب.
۲. افروغ، محمد. ۱۳۸۸، *ویژگی‌های حمام‌های ایران در دوره صفوی*، کتاب ماه هنر، ش ۱۳۰، ص ۹۴-۱۰۱.
۳. اولناریوس، آدام. ۱۳۷۹، *سفرنامه‌ی اولناریوس*، ترجمه‌ی حسین کردبچه، تهران، هیرمند.
۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. ۱۳۵۱، "مجموعه‌های تاریخی در کرمان: مجموعه گنجعلی خان (۲)"، *نشریه‌ی زبان و ادبیات یغما*، ش ۲۹۴، ص ۷۳۸-۷۴۴.
۵. بلمبکی، بهزاد و آزاده تقوایی. ۱۳۸۷، *هنر، اسطوره و کارکردهای آیینی در شکل‌گیری حمام*، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۲، صفحه ۱۰۶ الی ۱۱.
۶. تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۳۶، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، تهران، کتابخانه‌ی سنایی.
۷. ترکمان، اسکندر بیک. ۱۳۸۲، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران امیر کبیر.
۸. تکتا ندرفن، دریابل ژرژ. ۱۳۵۱، *ایتروپرسیکوم*، ترجمه‌ی محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۹. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن. ۱۳۸۴، *تاریخ یزد*، تصحیح ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۰. جنابدی، میرزا بیگ. ۱۳۷۸، *روضه‌الصفویه*، تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۱۱. جوادی، شهره. ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل تزیینات معماری در «مجموعه‌ی گنجعلی خان» شاهکاری از هنر عصر صفوی در کرمان، *فصلنامه‌ی باغ نظر*، ش ۹، ص ۳۵-۵۱.
۱۲. خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین. ۱۳۸۰، *تاریخ حبیب السیر*، تهران، خیام.

۱۳. دسیلوا فیگوئروا، دن گارسیا. ۱۳۶۳، **سفرنامه‌ی دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا**، ترجمه‌ی غلام رضا سمیعی، تهران، ۱۳۶۳.
۱۴. دلاواله، پیتر. ۱۳۸۴، **سفرنامه‌ی دلاواله**، ترجمه‌ی شهاب الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۵. ذاکر عاملی، لایلا و عیسی اسفنجاری کناری. ۱۳۸۲، "حمام رهنان"، **کتاب ماه هنر**، ش ۵۷ و ۵۸، ص ۱۷۰-۱۷۳.
۱۶. رضوانی، وحیده. ۱۳۸۴، "بررسی وضعیت معماری در ایران با تأکید بر مفهوم و کاربری بناها"، **نشریه‌ی تاریخ پژوهی**، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۱۲۵-۱۴۳.
۱۷. سیستانی، ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین محمد بن شاه محمود. ۱۳۸۳، **احیاء الملوک**، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۸. شاردن، ۱۳۷۲، **سفرنامه‌ی شاردن**، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران، توس.
۱۹. طبسی، محمد و همکاران. ۱۳۸۶، "بازشناسی ویژگی‌های کالبدی گرمابه‌های ایران در دوره صفوی"، **نشریه‌ی هنرهای زیبا**، ش ۲۹، ص ۴۹-۵۸.
۲۰. **عالم آرای شاه اسماعیل**، ۱۳۸۴، تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۱. غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، **تاریخ نگارستان**، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران، کتابفروشی حافظ.
۲۲. قزوینی، بوداق منشی. ۱۳۸۷، **جواهرالخبار**، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب.
۲۳. کارری، جملی. ۱۳۴۸، **سفرنامه‌ی کارری**، ترجمه‌ی عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره‌ی کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۲۴. کرمانی، فریبا. ۱۳۸۵، "مجموعه‌های بازار کرمان"، **نشریه‌ی فرهنگ و هنر**، ش ۴۰ و ۴۱، ص ۲۷۰-۲۷۷.
۲۵. کرمانی، ملا محمد مومن. ۱۳۸۴، **صحیفه الارشاد**، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علم.

۲۶. **نعت نامه‌ی دهخدا/.**

۲۷. **نعت نامه‌ی معین.**

۲۸. مرعشی، سید ظهیر الدین بن سید نصیر الدین. ۱۳۶۴، **تاریخ گیلان و دیلمستان**، تصحیح منوچهر ستوده، تهران.

۲۹. مهجور، فیروز. ۱۳۸۲، "حمام در شهرهای ایرانی اسلامی"، **کتاب ماه هنر**، ش ۵۷ و ۵۸، ص ۶۱-۶۶.

۳۰. واصفی، زین الدین محمود. ۱۳۴۹، **بدایع الوقایع**، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

۳۱. وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. ۱۳۸۳، **تاریخ جهان آرای عباسی**، تصحیح سید سعید میر محمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

33. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>